



بیانات در دیدار جمعی از جانبازان قطع نخاعی - 6 / مهر / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی فکر خوبی کردند دوستانی که این برنامه را طراحی و اجرا کردند. اولاً نفس تجلیل از جانبازان ضایعه‌های سنگین - مثل شماها - یک کار بزرگ است؛ نه فقط به این دلیل که تعدادی از عزیزترین‌های ما، که شما باشید، خشنود میشوند، خوشحال میشوند، دلشاد میشوند، بلکه علاوه‌ی بر این، به دلیل اینکه مثالها و نمونه‌ها و نمادهای ایثار در جامعه - که امروز جامعه‌ی ما به این نمادها خیلی هم احتیاج دارد - مشخص و بارز میشوند و تجسم پیدا میکنند. گاهی انسان به یک معنائی، به یک مفهومی باور و ایمان دارد؛ خوب است؛ اما گاهی این مفهوم مورد ایمان و باور، در مقابل انسان تجسم پیدا میکند. قبل از پیروزی انقلاب، در دوره‌ی طاغوت، ماها اسم جهاد را شنیده بودیم، احکام جهاد را بلد بودیم، ایستادگی در مقابل دشمن را، فداکاری را، از خودگذشتگی را در کتابها خوانده بودیم، به مردم هم می‌گفتیم، اما آن را ندیده بودیم و لمس نکرده بودیم. این کجا - که انسان از دور دستی بر آتش داشته باشد - و این که انسان از نزدیک، جهاد را، فداکاری را، ایثار را، از جان گذشتن را ببیند و مشاهده کند؛ که دیدیم.

امروز جانبازها وقتی به طور متمایز و شاخص در جامعه نشان داده بشوند، معرفی بشوند، تجلیل بشوند، احترام بشوند و مورد تکریم قرار بگیرند، این به معنای به میان آوردن و به عرصه آوردن تمثیل واقعی ایثار است؛ این خیلی اهمیت دارد. لذا ما به این تکریم و تجلیل احتیاج داشتیم، نظام به این احتیاج داشت. علاوه بر اینها، جهت سوم، یک نوع سپاسگزاری کوچکی هم از این مجموعه‌ی فداکار و خانواده‌هاشان به حساب می‌آید. بنابراین کار خیلی خوبی کردید که این مراسم تجلیل و ایثار را طراحی و اجرا کردید. ان شاء الله این کار هر سال انجام بگیرد و آدمهای صاحب فکر و صاحب ذوق بنشینند فکر کنند و این مراسم را تکامل ببخشند.

البته زبان ما قاصر است که بخواهیم از شماها که هستی‌تان را، وجودتان را، سلامتی‌تان را، آسایش یک عمر را در پای انقلاب و اسلام نثار کردید، تشکر کنیم. واقعاً زحمت بیهوده است که امثال من بخواهیم از شماها سپاسگزاری کنیم. شماها با خدا معامله کردید، و واقعاً باید خطاب به شماها گفت: «فاستبشروا ببيعکم الذی بايعتم به»؛ (1) بشارت باد به شما، با این معامله‌ای که با خدا کردید.

همین اندازه ابراز احترام و تکریم را لازم است من به این خانمها عرض بکنم؛ پرستاران و همسران و کسانی که به تعبیر این برادر عزیزمان، پروانه‌وار گرد جانباز قطع نخاعی، جانباز گردنی می‌چرخند، برای اینکه آسایش او را فراهم کنند، ادامه‌ی زندگی راحت او را ممکن کنند. من واقعاً از همه‌ی این همسران محترم، صمیمانه و از ته دل تشکر میکنم. این خانمها بدانند که اجر آنها در خدمت صادقانه و با روی خوش به این جانباز، یکی از بزرگترین ایثارهاست، یکی از برجسته‌ترین جهادهاست؛ پیش خدای متعال اجرهای بزرگ دارد.

ما همه احتیاج داریم. لحظه‌ای فرا خواهد رسید که انسان احساس میکند دستش خالی است. روزی فرا خواهد رسید که انسان احساس میکند در مقابل خدای متعال، در مقابل محاسبه‌ی الهی، مؤاخذه‌ی الهی، ملاقات الهی، کفهی اعمال او سبک است، خالی است. این خدماتی که شماها میکنید، آنجا به درد می‌خورد. لحظه لحظه‌ی صبری که در طول این سی سال، بیست و پنج سال، از اول جانبازی تا حالا کردید و سالهای بعد هم خواهید کرد - که ان شاء الله خدا به جانبازان شفا عنایت کند - و هرچه که این حالات وجودداشته باشد، باز صبر خواهید کرد، خدای متعال آن را محاسبه میکند. در محاسبات الهی، هیچ چیز فوت نمیشود. انسان یک ساعت درد میکشد، یک ناراحتی احساس میکند، یک حسرتی می‌خورد که رنجی دارد، اما آن را برای خدا تحمل میکند، این نوشته شده است. اینها قابل توصیف هم نیست. غیر از ذات مقدس پروردگار و مأموران او - که کرام‌الکاتبین باشند - از افراد بشر، هیچ کس نمیتواند این



احساسی را که در شما هست، درک نکند؛ اصلاً قابل بیان نیست؛ اما خدای متعال احساس میکند، میداند، میفهمد و ثبت میشود. ثبت که شد، ان شاءالله پاداشش به شما داده خواهد شد. قدر این لحظه‌ها را بدانید. گفت:

هر بلائی کز تو آید، رحمتی است

هر که را رنجی دهی، خود راحتی است

زان به تاریکی گذاری بنده را

تا ببیند آن رخ تابنده را

تیشه زان بر هر رگ و بندم زنند

تا که با عشق تو پیوندم زنند

به این حالتی که به آن ابتلاء پیدا کرده‌اید، با این دید نگاه کنید. وقتی که انسان در تاریکی قرار میگیرد، روشنائی و نور را بیشتر می‌بیند و حس میکند. در این رنجهاست که میشود خدا را از نزدیک دید؛ این مهم است. به هر حال ان شاءالله خدای متعال به شماها اجر بدهد.

یک نکته‌ی دیگری که در اینجا هست، این است که کشور ما، نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران کار بزرگی را انجام داد. آن حادثه‌ای که در ایران اتفاق افتاد و مسیر تاریخ را عوض کرد، واقعاً در قالب الفاظ نمیگنجد. حالا سی سال از انقلاب گذشته؛ وقتی سیصد سال بگذرد، کسانی که ناظرند و این حادثه‌ی عظیم را می‌بینند، آنها حس میکنند که چه اتفاقی افتاده؛ چه پیچ عظیمی در تاریخ امت اسلامی، و فراتر از آن، در تاریخ بشریت، اتفاق افتاده. کار بزرگی شده؛ ماها بخشهای کوچکی از آن را حس کردیم و لمس کردیم و دیدیم و می‌بینیم.

خب، این کار بزرگی که ملت ایران در انقلاب به رهبری امام بزرگوار - آن مرد الهی و آسمانی - انجام داد، برای این ملت هزینه دارد. کار بزرگی بود، هزینه‌اش هم سنگین است؛ اینها جزو هزینه‌هایش است. ملت بزرگ ما تعدادی را از دست داد - که شهید شدند - تعدادی مثل شماها شدند، تعدادی یک درجه از شماها پائین‌تر هستند؛ اینها جزو آن هزینه‌هایی است که برای آن کار بزرگ، این ملت دارد میدهد.

البته من اگر بخواهم قضاوت خودم را عرض بکنم، باید بگویم مسئله‌ی جانباز هفتاد درصد و جانباز قطع نخاعی گردنی - همین وضعی که شما دارید - مهمتر از مسئله‌ی شهید شدن است؛ چون شهادت یک بار است و تمام میشود، بعد هم انسان می‌رود عروج میکند. این وضعی که شما دارید، با قضاوتی که من امروز دارم، اینجور به نظر می‌رسد که وزنه‌ی این ایثار از آن ایثاری که اسمش شهادت است، سنگین‌تر است؛ به خاطر رنج‌هایش، به خاطر مشکلاتش، هم برای خودتان، هم برای پدر و مادرهاتان، کسانتان، هم برای همسرانتان، هم برای فرزندان‌تان. این جزو آن رقم‌های بسیار درشت این کار بزرگی است که انجام گرفته. ان شاءالله به همین نسبت هم خدای متعال به شما اجر بدهد و اجر شما را سنگین کند.

البته این را هم به شما عرض بکنم؛ خود شماها خیلی نقش دارید در این که این اجر را بیشتر کنید، یا از کنارش یک قدری بزنید. همین آیه‌ای که الان تلاوت کردند: «الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع للذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم»، (2) به همین نکته اشاره میکند: آن کسانی که زخمی شدند، مجروح شدند، اجر عظیمی دارند، به شرط تقوا و احسان. هیچ وقت قاطعیت اختیار از انسان گرفته نمیشود؛ یعنی شما همیشه در حال اعمال اختیار هستید؛ شما هستید که دارید انتخاب میکنید. تا آخر، این صبر شما، این ایستادگی شما، این احتساب شما، اجر شما را اضافه میکند. احتساب یعنی پای خدا نوشتن. آدم با خدا حرف بزند، بگوید پروردگارا! این جسم من، این تن من، این آسایش من، این جوانی من، اینها را به تو دادم، صرف تو کردم، الان هم راضی‌ام. این، احتساب است. این بیشترین تأثیر را در عروج به مقامات عالییه و احراز اجر و پاداش الهی دارد.

خب، به نظر دیگر کافی است؛ زیاد صحبت کردیم. من مجدداً از خانمها تشکر میکنم و عذرخواهی میکنم که نشد



همین طور که با جانبازان عزیز از نزدیک تک تک احوالپرسی کردیم، با آنها تک تک احوالپرسی کنیم. حالا همین طور دورادور به خانمها عرض ارادت میکنیم. ان شاءالله همه ی شماها موفق و مؤید باشید.
ما حالا از شما تعریف کردیم، تعریف بجائی هم بود، درست هم بود، اما شما هم قدر اینها را بدانید؛ اینها نعمتهای الهی هستند. ان شاءالله خداوند همه ی شما را حفظ کند.
والسلام علیکم ورحمةالله

(1) توبه: 111

(2) آل عمران: 172